

TSF

تمدن به مثابه‌ی سیمرغ مطالعات میان‌رشته‌ای

به مناسبت دهمین سالگرد رحلت علامه محمدحسین تمدن چهرمی

Abolfazl Pasebani Someeh

3-6-2024

هوالمحبوب

تمدن به مثابه‌ی سیم‌رخ مطالعات میان‌رشته‌ای^۱

خاک را زنده کند تربیت باد بهار سنگ باشد که دلش زنده نگردد به نسیم^۲

با سلام و عرض ادب و احترام به محضر اساتید ارجمند و مخاطبین گرامی و با درود و صلوات بر ارواح پاک تمامی اهل علم، امروز شانزدهم اسفند سال ۱۴۰۲ خورشیدی به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، گردهم آمده‌ایم تا به مناسبت دهمین سالگرد رحلت نادره‌ای از نوادر عصر ما، استاد مرحوم علامه دکتر محمدحسین تمدن جهرمی، چهره‌ی ماندگار علوم انسانی و اقتصاد، پیرامون اهمیت مطالعات میان‌رشته‌ای در اقتصاد به بحث بنشینیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دانشکده‌های معتبر جهان از میزان هژمونی اقتصاد پوزیتیویستی تک‌پایه کاسته شده است اما همچنان در برخی محیط‌های آموزشی ایران با وجود تمامی ناکامی‌های مجرب^۳ در عرصه اقتصاد ایران و شاید در چارچوب نوعی بازاریابی علم، این‌طور ادعا می‌شود که با آموزش‌های تخته‌سیاهی اقتصاد متعارف است که می‌توان کارشناس تربیت نمود و به تدوین سیاست‌هایی کمک نمود که از رنج‌های اقتصادی نوع انسان بکاهد!

ز دعوی پری زان تهی می‌روی تهی‌آی تا پر معانی شوی^۴

^۱ ابوالفضل پاسبانی صومعه، عضو هیئت علمی جهاددانشگاهی، A.pasebanism@gmail.com

^۲ کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات دوستان، ۱۳۷۹، ص ۵۱۸

^۳ مولوی: گفت هر دارو که ایشان کرده‌اند آن عمارت نیست ویران کرده‌اند. مثنوی معنوی، تصحیح عبدالکریم سروش، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۹

^۴ همان، ص ۲۷۷

برانداز بیخی که خار آورد درختی بیور که بار آورد^۵

در ارتباط با ابعاد این مهم، اساتید محترم نکات ارزش مندی را ارائه فرموده‌اند. با این حال حسب الامر من نیز به اجمال و به قدر وسع چند نکته‌ای را در ارتباط با زمینه‌های تولد یک علامه در قرن چهاردهم شمسی بیان می‌کنم که امید است مورد توجه مخاطبین گرامی که دانش پژوهانی نکته‌سنج و عمیق می‌باشند قرار گیرد.

سعدی ز خود برون شو، گر مرد راه عشقی کانکس رسید در وی، کز خود قدم برون زد^۶

محمدحسین کودکی ۵ سال بود که مدرسه رفتن را از خانواده‌ای آغاز نمود که در آن کتاب و روزنامه در آمد و شد بود. او برای ادامه تحصیلات دوره دبیرستان ناگزیر بود که جهرم را ترک و به شیراز برود، اما پدر که عواطفی خاص نسبت به پسر اول بعد از چند دخترش داشت، مخالف آن بود تا او را از خود دور نماید. لاجرم محمدحسین آن قدر گریه کرد که مادر به وساطت در آمد که اگر با رفتنش موافقت نکنی چه بسا از شدت اندوه و گریه کور شود! بدین ترتیب گویی مقدر شده بود تا پدر موافقت کند و او را راهی منزل دکتر عیون شوهر دختر بزرگش عذرا تمدن نماید تا دبیرستان نمازی شیراز را نیز با موفقیتی مثال‌زدنی پشت سر بگذارد و به درخواست پدر درس پزشکی را در دانشگاه تهران به سال ۱۳۲۱ آغاز نماید.

دلم از صحبت شیراز به کلی بگرفت وقت آنست که پرسى خبر از «تهرانم»^۷

در همان سال نخست تحصیل پزشکی در اتاق تشریح حالتی بر او رفت تا هوشیار شود که اصلاً علاقه‌ای به این رشته ندارد. لذا با تغییر رشته به دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی و قضایی رفت تا ضمن مطالعات آزاد و کنشگری اجتماعی، تحصیلات حقوق را تا مقطع دکتری ادامه داده و به امر وکالت رسمی در دادگستری نیز مشغول باشد. وی در این مسیر به واسطه تحصیلات رسمی و اخذ دکتری اقتصاد و کسب مدارج فوق لیسانس در رشته‌های فلسفه و روش‌شناسی، جامعه‌شناسی، آمار و ریاضی، علوم اداری و سیاسی از مدرسه اقتصادی لندن، به وضوح واجد صلاحیت‌هایی شده بود، بیش از آنچه برای مطالعات میان‌رشته‌ای لازم است.

قسمت خود می‌خورند منعم و درویش روزی خود می‌خورند پشه و عتقا^۸

از سوی دیگر تجزیه و تحلیل عناوین موجود در کتابخانه شخصی هزار جلدی ایشان که به دست اینجانب رسید (حدود هفت هزار جلد کتاب در زمان حیاتش به کتابخانه ملی ایران و ... اهدا شده بود)، نشان می‌داد

^۵ همان، ص ۲۴۷

^۶ سعدی، ص ۴۲۶

^۷ همان، ص ۴۹۶ سعدی از بغداد نام برده است که به واسطه تجربه زیسته‌ی تمدن به تهران تغییر یافت تا شاید با مستاتر باشد.

^۸ همان، ص ۳۵۹

که در کنار شاخه‌های مختلف علوم انسانی، تمایل و علاقه شدید وی به مطالعات غیر رسمی در زمینه‌هایی نظیر دین و الهیات، تاریخ و ادبیات و فرهنگ، زبان و هرمنوتیک، فیزیک و مکانیک و کوانتوم و نجوم، به ایشان قابلیت مضاعف در انجام مطالعات میان‌رشته‌ای بخشیده بود.

اختراعی که به شب در نظر ما آید پیش خورشید مُحالست که پیدا آید^۹

همچنین کسب توان مطالعه و تکلم به زبان‌های عربی، فرانسوی، انگلیسی، روسی، آلمانی، ایتالیایی و لاتین، در کنار آشنایی با دیگر زبان‌ها نظیر اسپانیولی، صربی و ژاپنی قدرت یادگیری از فرهنگ‌ها و تجارب زیسته‌ی ملل گوناگون را در وجود ایشان دو چندان می‌نمود.

روان تشنه برآساید از وجود فرات مرا فرات ز سر برگذشت و تشنه‌ترم^{۱۰}

از سوی دیگر ایشان به‌رغم فراگیری برخی بیماری‌های شناختی در جامعه‌ی ایران، از خود شخصیتی ساخته‌بود که به‌شدت از سانسور خویش پرهیز می‌داشت. در این راستا علاوه بر مطالعه نحله‌های علمی مختلف از دیگر منابع معرفتی گوناگون نظیر رادیوهای داخلی و خارجی، روزنامه‌ها و نشریات داخلی و خارجی، شرکت در مجامع علمی گوناگون و گفتگو و هم‌زیستی متواضعانه با انسان‌های متفاوت استقبال می‌نمود تا به کنه حقیقت تقرّب بیشتری جوید.

چو خواهی که در قدر والا رسی ز شیب تواضع به بالا رسی^{۱۱}

این عقبه‌ی وجودی در کنار علل و دلایلی نظیر نحوه‌ی مدیریت دانشگاه در ایران و تمایلات دانشجویان، استاد را نامزد ارائه دروس گوناگون می‌نمود به‌نوعی که در بیش از ۳۰ عنوان درسی به آموزش دانش‌جویان و طلاب علاقمند پرداختند.

تنگ چشمان نظر به میوه کنند ما تماشاکنان بستانیم^{۱۲}

بدین ترتیب صاحب این تجربه‌ی زیسته وقتی راجع به علم اقتصاد و مطالعات میان‌رشته‌ای دست به قلم بُرد، با کل‌نگری لازم به اهم نکات باریکی توجه داده است که شاید مرور اجمالی آن مفید باشد. ایشان در

^۹ سعدی، ص ۴۵۰

^{۱۰} همان، ص ۵۰۱

^{۱۱} همان، ص ۲۲۷

^{۱۲} همان، ص ۵۲۲

تابستان سال ۱۳۷۸ در شماره ۵ مجله‌ی سخن سمت، انگیزه‌ها و دامنه‌ها و اهداف مطالعات میان‌رشته‌ای را بدین ترتیب ذیل چهار عنوان برمی‌شمارد:

۱- تعهد به اندیشه‌ی وحدت علم (در محتوا، روش، زبان و قوانین) که در افکار فلاسفه یونان باستان و اصحاب دایره‌المعارف و تجربه‌گرایان منطقی و هواداران نظریه سیستمی بازتاب یافته است.

هر ساعت از نو قبله‌ای، با بت پرستی می‌رود توحید بر ما عرضه کن، تا بشکنیم اصنام را^{۱۳}

۲- حساسیت نسبت به مناطق مرزی که به لحاظ علمی واجد بازدهی بالاتری است.

۳- رویکرد ترکیبی بنابر ملاحظات اخلاقی و فرهنگی و روش‌شناختی که در پی ترکیب کلیه دانسته‌های بشری و قضاوت‌های ارزشی است.

۴- چندجنبه‌ای بودن پدیده‌های خاص و منفرد که گویای خصلت پیچیده‌ی موضوعات است.

هر که را باغچه‌ای هست به بستان نرود هر که مجموع نشستست پریشان نرود^{۱۴}

بازتاب این انگیزه‌های چهارگانه برای مطالعات میان‌رشته‌ای در اقتصاد همچون گذشته‌ای شد که غوطه‌ور در رشته‌های اجتماعی دیگر بود.

اولاً به مطالعات میان‌رشته‌ای اقتصاد در زمینه‌ی وحدت روش علم منجر گردید، به نوعی که هم هواداران ابطال‌گرایی، وحدت روش در علوم طبیعی و علوم اجتماعی را دنبال می‌کردند و هم مخالفین آن.

ثانیاً اصل وحدت‌بخش رفتار اقتصادی در مطالعات میان‌رشته‌ای، بدین معنی که سایر علوم زیر پرچم فردگرایی روش‌شناختی و عقلانیت اقتصادی و انسان اقتصادی رفته‌اند، به امپریالیسم اقتصادی یا اقتصاد فراگیر و جهان‌شمول تعبیر شد و رشته‌هایی نظیر اقتصاد حقوق، اقتصاد سیاست، اقتصاد مدیریت و ... را پدید آورد.

ثالثاً علوم مرزی در همسایگی اقتصاد، علوم تازه‌ای را مطرح ساخت که در آنها خبری از تسلط علم اقتصاد نبود. مثل جامعه‌شناسی اقتصادی یا حقوق اقتصادی بین‌المللی و ...

تا تو در خانه صید خواهی کرد دست و پایت چو عنکبوت بود^{۱۵}

^{۱۳} سعدی، ص ۳۶۵

^{۱۴} همان، ص ۴۵۵

^{۱۵} همان، ص ۱۰۷

رابعاً به مطالعات میان‌رشته‌ای در پدیده‌های اجتماعی منفرد و چندجنبه‌ای انجامید که گویای وابستگی متقابل متغیرهای اقتصادی و اجتماعی است و به خوب نبودن اقتصاددانی اشاره می‌کند که فقط اقتصاد بدانند!

بدرای فرومایه زین خشت دست که جیحون نشاید به یک خشت بست^{۱۶}

خامساً به مطالعات میان‌رشته‌ای اقتصاد با اهداف فرهنگی، اخلاقی و ارزشی ختم شد که نوعی رابطه و پیوند بین اجزای دانسته‌ها و آثار فکری و اعتقادات اخلاقی را ایجاد نمود.

نخواهی که ملک برآید به هم غم ملک و دین هر دو باید به هم^{۱۷}

در بیان استاد تمدن این پنج مهم برگرفته است از الف: مردود دانستن جدایی اقتصاد تحققی از ارزش‌ها. ب: تجدید بنای علم اقتصاد به منظور آشتی با ایدئولوژی و ارزش‌ها. ج: تاریخ تحول فیزیک ریاضی که نمایش قرابت اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی را در پی داشت. د: انعکاس افکار پسامدرن و نقش مهم استعاره در فرایند علمی که اقتصاد را خطابه‌ای تمثیلی و انعطاف‌پذیر و فاقد استدلال بدون ابهام معرفی نمود. اکنون در انتهای این نوشته‌ی مختصر ذکر این نکته درباره‌ی بازار علم اقتصاد سستی لازم است که هرچند:

غالب آن است که مرغی چو به دامی افتاد تا به جایی نرود بی پر و بالش دارند^{۱۸}

اما توجه دقیق به این هشدار نیز ضروری است که از سهل‌انگاری و آسان‌گیری در ورود به اقلیم‌های متفاوت علوم بدون کسب مهارت‌های لازم و کارآموزی دقیق بایستی پرهیز نمود.

گنجشک بین که صحبت شاهینش آرزوست بیچاره در هلاک تن خویشتن عجول^{۱۹}

بر روان پاک استاد درود

والسلام/ اسفند ۱۴۰۲

دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

^{۱۶} سعدی، ص ۳۳۵

^{۱۷} همان، ص ۲۲۲

^{۱۸} همان، ص ۴۴۲

^{۱۹} همان، ص ۴۸۸